

ویژه اول ماه مه

# به پیش!

اتحاد سوسیالیستی کارگری

www.wsu-iran.org

شماره ۵۴، چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۲۸ آوریل ۲۰۱۰



## جنبش و اول ماه مه

احمد شقایق

۴-۲-۸۹

### بحران اقتصادی

بالاخره شورای عالی کار حد اقل دستمزد کارگران را سیصد و سه هزار تومان تعیین کرد. در این موقعیت که تورم ۴۰ درصدی در سال گذشته وجود داشته و در آینده نزدیک باز هم شاهد تورم بیشتری خواهیم بود، حداقل دستمزد تعیین شده کارگران را در موقعیت وخیمتری قرار خواهد داد که به راستی می توان آن را مرز نیستی و خانه خرابی دانست. در چنین شرایطی میلیونها کارگر در لبه پرتگاه مرگ و زندگی باید بسر ببرند و بسیاری به ورطه تباهی سقوط خواهند نمود. میلیون ها نفر در سرانسیب به سمت گرداب فقر مطلق سوق داده می شوند و نوجوانان نا امید از داشتن آینده ای با حد اقل نیازهای انسانی هستند.

مبارزه برای افزایش دستمزد متناسب با تورم که یکی از محورهای مبارزه طبقه کارگر بوده و هر چه بیشتر نیز اهمیت یافته را باید به صورت هر چه فعالتر و متشکلاتر پیگیری نماییم.

با وجود اینکه فقط یک ماه از سال جدید می گذرد اما اخراج ها شدیداً افزایش یافته و دهها کارخانه و کارگاه تعطیل شده اند و یا کارگران استخدامی را تعدیل کردند. پیش بینی شده که رشد اقتصادی سال آینده صفر و حداکثر تا یک درصد خواهد بود؛ بسیاری از سرمایه داران سرمایه های خود را از

یابد و با وجود سرازیر شدن دلار های نفتی به جیب جمهوری اسلامی و شارژ دستگاه سرکوب، دولت ناتوان از سروسامان دادن و یا حتی حفظ اوضاع اقتصادی فعلی است و تشدید مبارزه طبقاتی تبلور آن خواهد بود.

### بحران سیاسی

در شرایطی که در چند ماه گذشته موج وسیع مبارزات مردم با مطالبات ضد حکومتی و آزادیخواهانه شعله ور شد، آنچه نقطه ضعف بزرگ این جنبش بوده و هست، و مهمتر از آن باعث افت قابل توجه جنبش و تعدیل مبارزات گردیده، عدم حضور مستقل طبقه کارگر بوده است؛ یعنی به موازات مبارزات و تظاهرات های مردم، اعتصابات و اعتراضات کارگری و رشد سازماندهی طبقه کارگر وجود نداشته؛ هر چند که در جریان مبارزات مردم، مبارزات کارگران نیز افزایش یافت و بسیاری از کارگران نیز در جنبش مردمی حضور داشتند و فعال بودند، و مطالبه آزادیخواهانه و ضد حکومتی مردم، مطالبه کارگران نیز بوده و هست، - البته این نکته را که حضور کارگران و سوسیالیست ها و دیگر انقلابیون در رادیکال نمودن جنبش نقش

کشور خارج کرده اند و بر اساس چشم انداز موجود هزاران نفر دیگر به خیل بیکاران خواهند پیوست و بحران اقتصادی بیشتر از پیش تعمیق خواهد یافت.

با هدفمند شدن یارانه (حذف سوبسیدها) قیمت گاز، برق، بنزین و گازوییل چند برابر خواهند شد و افزایش قیمت آنها تاثیر مستقیمی بروی افزایش قیمت دیگر کالاها دارد و مطابق پیش بینی ها سی تا چهل درصد قدرت خرید مردم کاهش خواهد یافت و باز هم کارگران و مردم در شرایط وخیمتری قرار می گیرند.

با تعیین حداقل دستمزد سیصد و سه هزار تومانی و شتاب گرفتن رشد تورم و افزایش بیکارسازی ها تضادهای طبقاتی بیش از پیش افزایش خواهند یافت و طبیعتاً مبارزه کارگران نیز بیشتر برآمد می نماید، اما مبارزات پراکنده و غیر متشکل راه را آنطور که باید باز نمی کنند و معمولاً کم تاثیرند، تنها و تنها چاره ما متشکل شدن است؛ با وجود همه فشارهای موجود و تحمل فقر هر چه بیشتر به کارگران چون مبارزات پراکنده و غیر متشکل است آنطور که باید موثر واقع نمی شود و توان مقابله با سرمایه داری حاکم را ندارد.

بنابراین بحران اقتصادی موجود، حدت می



پوپولیستی و شکننده دل خوش نمی کنند. در طیف چپ و یا دیگر جنبش ها بارها اتحاد عمل هایی که پایه و اساس طبقاتی مشترکی نداشته تجربه شده اند- مثل کنفرانس وحدت که متشکل از سیزده گروه سیاسی خط سه بود و در نهایت بدون نتیجه از هم گسست و یا گروه وحدت انقلابی که بدون در نظر داشتن پرنسپب های تئوریک توسط چند گروه سیاسی ایجاد شد و کمتر از یک سال بعد متلاشی گردید - و همگی آنها نتیجه ای جز شکست و بحران بیار نیاورند. هر چند جنبش ما سابقه زیادی در مبارزه علیه پوپولیسم دارد، اما طیف خلقیون در هر فرصتی و با وجود اینکه از در بیرون رانده شده اند، از پنجره باز گشته و ضرورت مبارزه با آنها مجددا در دستور کار قرار می گیرد.

با نگاهی گذرا به روند های واقعی مبارزه در جنبش کارگری و دیگر جنبش های بزرگ اجتماعی می بینیم که اتحاد عمل و همسویی هایی پایدار است که پایه مادی مشترکی دارند، بطور مثال در جنبش کارگری و در میان تشکل های کارگری، عملا و عمدتا، از میان کارگران سوسیالیست، فعالین و پیشروان صادق جنبش کارگری، و دیگر کارگران انقلابی تشکیل شده اند، که می توانند با هم و در دراز مدت، کار مشترک تشکیلاتی و فعالیت نمایند. بیشترین همکاری و اتحاد عمل در میان جناح چپ جنبش کارگری بوده و حتی سکتاریست ها و بینابینی ها در مقاطعی گذرا و محدود تن به همکاری و همراهی داده اند، آنها تنها از زاویه عقب نماندن از قافله در بیشتر موارد حتی در جنبش های اجتماعی قدرتمندی مثل جنبش دانشجویی نیز اوضاع بر همین منوال بوده و هست. این سوسیالیست ها و نزدیکان به جنبش کارگری هستند که می توانند اتحاد های پایدار و واقعی را سازمان



رفت و یا به جای طبقه با عده ای روشنفکر انقلاب براه بیندازیم، و نه همچون پراگماتیست ها تصور می کنیم، که با اتحاد عمل با احزابی که از یکسو با سلطنت طلب ها متحد می شوند و از سوی دیگر عمری را در لجن پراکنی به کمونیست ها و انقلابیون سپری کرده اند، و سردمدار خط ولنتاریستی و ضد کارگری هستند می توان انقلاب کرد. انقلاب در گرو رشد مبارزه طبقاتی است و البته ما کمونیستها در این راستا با دخالتگری و برخورد آگاهانه به این پدیده، قادریم تاثیرات مثبت، بسزا، هدایتگر و تسریع کننده ای داشته باشیم و این مسئله (نقش عامل ذهنی) به هیچ وجه کم رنگ نیست و تمام تلاش ما کمونیستها در همین راستا است. در واقع هر چند که به دلیل افزایش فشارهای اقتصادی و رشد آمار بیکاری، تضادهای طبقاتی افزایش خواهند یافت و به موازات آن مبارزه کارگران و مردم نیز افزایش خواهد یافت، ولی این واقعیت که متشکل شدن طبقه کارگر و ایجاد صف مستقل آن با در اختیار داشتن خط سیاسی خود در جریان هر تلاطم اجتماعی و حتی در موقعیت انقلابی ضروری است تا بر این مبنا انقلاب کارگری تحقق یابد، را نباید فراموش نماییم.

هر چند نباید نقش عامل ذهنی را دست کم گرفت، اما نقش عامل ذهنی از زمین تا آسمان با ذهنی گرایی، ولنتاریسم و پراگماتیسم متفاوت است. در جریان مبارزه واقعی و اتحادی بر مبنای واقعیات مبارزه طبقاتی، گرایشات و جریانات مختلف، نسبت به هم دور یا نزدیک و یا در پروسه اتحاد عمل و مبارزه مشترک قرار می گیرند؛ اما این واقعیت را نباید فراموش کرد که کمونیست ها درک جبهه ای و پوپولیستی همه با هم ندارند؛ کمونیستها نگاه طبقاتی به روندهای اجتماعی و سیاسی دارند و بر همین مبنا به اتحاد های مقطعی و ناپایدار

داشته را نباید نادیده و کم اهمیت دانست - اما این به معنای حضور طبقه کارگر نبوده و نیست، چرا که حضور کارگران به مثابه یک طبقه، نیازمند سازماندهی و متشکل شدن، بیان مطالبات سیاسی و اقتصادی این طبقه، و روشهای مبارزه کارگری مثل اعتصاب و ... است. حال با برجسته شدن هر چه بیشتر مطالبات اقتصادی کارگران و مردم، زمینه بیشتری برای نزدیک شدن مبارزات مردم و کارگران بوجود آمده و هر دو جنبش کارگری و مردمی بیشتر باید به متشکل شدن بیندیشند. در واقع جنبش کارگری و مردمی در یک شرایط دیگر قرار گرفته، که با چند ماه گذشته تفاوت هایی دارد که توجه به آنها ضروری است. اولاً جنبش خود بخودی تا حدودی از اصلاح طلبان فاصله گرفته اما بخشا و بطور نسبی هنوز از آن تاثیر می پذیرد. دوماً به دلیل فقدان آلترناتیو دیگری و عدم وجود سازماندهی حداقل و از همه مهمتر عدم حضور مستقل طبقه کارگر عدم وجود اعتصابات وسیع، پراکنج جنبش مردمی (تظاهرات های وسیع) دچار افت و چالش گردیده است. سوماً، بحران اقتصادی روبه افزایش است و در همین مدت کوتاه اخراج های زیادی صورت گرفته و حذف سوبسیدها تضادهای طبقاتی را افزایش خواهند داد. چهارم اینکه، در چشم انداز کوتاه مدت طبقه کارگر نمی تواند خود را سازماندهی و متشکل نماید و این مسئله نیاز به یک پروسه دارد. این واقعیت که در این مرحله تاریخی سرنوشت ما در گرو متشکل شدن قرار دارد را باید در میان کارگران و مردم بیشتر تبلیغ نماییم و نشان دهیم که متشکل شدن استراتژی این دوره ی مبارزه طبقه کارگر است و واضح است که در این رابطه ما نه همچون ولنتاریست ها فکر می کنیم که ممکن است، یکشنبه ره صد ساله

Postfach 940166  
60459 Frankfurt  
Germany

bepish@hotmail.fr

# به پیش!

**به پیش!** زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای به پیش! منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.

است بدون حضور و سازماندهی طبقه کارگر به نتیجه برسیم.

سبزه‌های اصلاح طلب و تعدادی از کانال‌های تلوزیونی لیبرال‌های جمهوری خواه اعلام نمودند تا مردم و کارگران روز جهانی کارگر به خیابان‌ها بیایند و بدین وسیله قصد دارند، تا به نوعی رهبری مبارزات کارگران را در دست بگیرند. اما جنبش کارگری قوی‌تر و رادیکال‌تر از آن است که به زیر چتر اصلاح طلبان برود؛ سوسیالیست‌ها و دیگر کارگران پیشرو بی‌شک در این جنبش نقش بسزایی دارند و اجازه نخواهند داد که اصلاح طلبان و لیبرال‌ها جنبش کارگری را به انحراف بکشانند. کارگران آگاه ضمن تلاش برای برپایی مراسم روز کارگر به هر نحو ممکن و از جمله آکسیون‌های خیابانی، با صف و شعارهای مستقل کارگری پا به میدان مبارزه خواهند گذاشت. ما نه مانند آن حزب شهره خاص و عام و حواریونشان به جنبش مردم پشت می‌کنیم و نه اجازه می‌دهیم تا اصلاح طلبان و لیبرال‌ها سوار جنبش توده‌ای و کارگری شوند.

ضروری است ضمن شرکت فعال در مبارزات برای کارگران و مردم همواره و همواره توضیح دهیم که لیبرال‌ها و اصلاح طلبان قادر نبوده و نیستند تا مشکلات اقتصادی مردم و مطالبه آزادی خواهی را بر آورده نمایند؛ تنها در جریان اتحاد طبقاتی کارگران و مردم پایین دست جامعه در جریان مبارزه است که پیشروی و پیروزی جنبش ممکن خواهد شد؛ نباید اجازه دهیم تا لیبرال‌ها و اصلاح طلبان این دشمنان طبقه کارگر و مردم و حافظان نظام سرمایه داری، میوه چین جنبش کارگری و مردمی شوند و همچون انقلاب سال ۵۷ مبارزات را به سکوی پرش خود به قدرت تبدیل نمایند.

کارگران و مردم آزادیخواه روز جهانی کارگر در پیش است، با تمام توان و به هر شکل ممکن صدای اعتراضمان را فریاد بزنیم.

**زنده باد جنبش کارگری،**

**زنده باد جنبش مردمی**

**زنده باد سوسیالیسم**

ایجاد نمایند. چنین اتحاد عمل‌هایی کمکی در راستای به میدان آمدن طبقه کارگر نمی‌کنند و تنها آب به آسیاب کسانی می‌ریزند که در هر مقطع و لحظه‌ای بدون حضور طبقه کارگر می‌خواهند قدرت را بدست گیرند و استراتژی سوسیالیستی را خدشه دار می‌کنند.

## در آستانه اول مه

با نزدیک شدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، یکبار دیگر فرصتی بدست آمده تا در اعتراض به همه‌ی نابرابری‌های موجود و فزاینده صدای اعتراضمان را بلند کنیم؛ یکبار دیگر فرصتی بدست آمده تا برای ایجاد تشکل کارگری به نیروی خود، مبارزه نماییم؛ یکبار دیگر فرصتی بدست آمده تا با اتحاد طبقاتی به میدان مبارزه علیه سرمایه داری این غول سیری ناپذیر به میدان بیاییم؛ یکبار دیگر فرصتی بدست آمده تا کارگران و مردم در اعتراض به دیکتاتوری و خفقان حاکم و برای رسیدن به آزادی و دموکراسی به میدان مبارزه بیایند.

## کارگران و مردم آزادیخواه!

نه مطالبات کارگران جدای از مطالبات مردم است و نه مطالبات مردم جدای از مطالبات کارگران، اکثریت مردم تهی دست و مزد بگیر و زحمتکش رهائیشان در گرو اتحاد طبقاتی با کارگران است و در این راه ضروری است تا کارگران نیز با مردم مبارز و آزادیخواه متحد گردند. این مبارزات بهم گره خورده و امروز کارگران و مردم می‌توانند در یک سنگر مبارزه علیه سرمایه داری متحد گردند. موسوی رهبر اصلاح طلبان حکومتی اعلام کرده که امسال با مبارزه کارگران و معلمان باید جنبش سبز را پیش برد و تقویت کند و این نشان دهنده این واقعیت است که حتی اصلاح طلبان نیز می‌دانند که بدون حضور طبقه کارگر راه بجایی نمی‌برند و تاکتیک تظاهرات‌های خیابانی از ظرفیت‌های محدودی برخوردار است و ممکن نیست تا فقط بدین وسیله آرایش سیاسی را در این موقعیت و شرایط تغییر داد. حال ما طرفداران انقلاب سوسیالیستی و تغییرات اساسی و زیر بنایی، چگونه ممکن

دهند و کار مشترک سیاسی انجام دهند، اما دیگر اتحاد‌های پوپولیستی در این جنبش بارها به شکست و درماندگی کشیده شده‌اند و یا راه راست و غیر کارگری در پیش گرفتند و در نهایت جز ضربه زدن به جنبش دانشجویی نتیجه‌ای ببار نیاوردند.

حتی در خارج کشور نیز تنها اتحاد عمل‌هایی مثل نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران و یا امثال آن، که متشکل از سوسیالیست‌ها، انقلابیون و فعالین واقعا مستقل و کارگری است، عملا همسو با جنبش کارگری و در راستای منافع آن گام برداشته‌اند و سمبل اتحاد عمل‌های کارگری است، ولی اتحاد عمل و تشکیل جبهه‌ای بین احزاب و نیروهایی از گرایش‌های مختلف سیاسی طی این سی سال که از راست و چپ گرفته تا ناسیونالیست و پوپولسیت، از رفرمیست‌ها گرفته تا آوانتوریست‌ها، چه حاصلی برای طبقه کارگر و منافع جنبش داشته‌اند؟

در جنبش زنان که لیبرال‌ها جبهه قوی دارند، و از سوی دیگر طیف‌هایی با خط پوپولیستی قرار دارند که عملا نتوانستند گرایش رادیکال و انقلابی درون این جنبش را تقویت کنند و به پیش ببرند. خط چپ توده‌ای و مائوئیستی جبهه‌ای و خلقی در جنبش در اشکال و مقاطع مختلف بکار گرفته شده و هر بار نیز نتیجه ضد جنبشی به بار آورده است. از زاویه منافع طبقه کارگر تنها اتحاد عمل و همکاری و همراهی مجاز و ضروری است که به پیشروی جنبش کارگری کمک نماید و مانعی را از سر راه آن بردارد. در جنبش زنان انواع اتحادها و همکاری‌های طیفی و جبهه‌ای بکار گرفته شده ولی هیچیک به ایجاد یک قطب سوسیالیستی و رادیکال - انقلابی کمک نکرده.

واقعیت این است که پیشروی سیاسی طبقه کارگر در بسیاری از موارد با نقد و کنار زدن سوسیالیست‌های غیر کارگری و خط لیبرالی تحقق می‌پذیرد و نه در اتحاد و همزیستی با آنها. اتحاد و حرکت مشترک تنها در جریان یک مبارزه عملی واحد تحقق پذیر است. جریان‌های با استراتژی‌های متفاوت و خط سیاسی متضاد قادر نیستند اتحادی پایدار و در راستای منافع کارگران

# Be Pish!

NO : 54

WEEKLY PAPER OF WORKERS SOCIALIST  
UNITY-IRAN  
WWW.WSU-IRAN.ORG  
BEPISH@HOTMAIL.FR

News - Political

April, 2010

به مناسبت روز جهانی کارگر

## عبور رژیم اسلامی از تنگه مرگ

هم نظر شود و از این طریق بکوشد تا کل طبقه را بعنوان تنها طبقه ای که حکومت مطلوبش قادر است خواستهای تلنبار شده میلیونها مردم ستم و ظلم دیده را بر آورده کند به صحنه مبارزه بیاورد. جناح چپ جنبش کارگری قطعاً این نقصه را هر چند با کندی رفع خواهد کرد و برای موج دوم جنبش میلیونی که در راه است آماده خواهد شد تا نه تنها بعنوان توده های شرکت کننده در این جنبش بلکه بعنوان یک طبقه دارای راه حل و استراتژی و ناجی جنبش و مردم ظاهر شود.

امسال جنبش کارگری ایران در شرایطی متفاوت از نزدیک به سه دهه از حیات رژیم اسلامی به استقبال روز کارگر میرود. امسال کارگران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می روند که رژیم اسلامی در یک بحران لاعلاج سیاسی عمیق گرفتار آمده و برای حل این بحران به ناگزیر در تدارک یکی از بزرگترین حملات تاریخ حیات ننگین سی ساله خود به کار و معیشت کارگران است و تعطیلی کارخانجات و اخراج وسیع کارگران که از فروردین ماه امسال آغاز شده تنها مقدمه کوچکی از هجوم خانمان سوزی است بر سطح زندگی کارگران. در عین حال رژیم اسلامی در هجوم به طبقه کارگر در بدترین و ضعیف ترین موقعیت سیاسی حیات خود قرار دارد و در واقع برای رهایی از بحران عمیق اقتصادی که در آن دست و پا می زند چاره ای جز عبور از تنگه مرگی که در مقابلش است ندارد.

با توجه به اوضاع سیاسی ایران، روز کارگر امسال در هر شکل مناسبی که برگزار شود باید سر آغاز یک آمادگی سراسری برای مقابله با هجوم خانمان برانداز رژیم اسلامی به طبقه کارگر باشد. این رژیم در یک تنگنای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق گرفتار آمده است و مقاومت جنبش کارگری در مقابل حمله ناگزیر دولت و کارفرماها، در دل موج دوم جنبش عظیم مردمی علیه رژیم اسلامی می تواند به مبارزه مرگ و زندگی رژیم اسلامی تبدیل گردد.

### زنده باد اول ماه مه روز کارگر سرنگون باد رژیم اسلامی

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

اول اردیبهشت ۱۳۸۹

جنبش کارگری ایران در شرایطی به استقبال روز کارگر امسال می رود که دشمنش نسبت به سال گذشته بسیار رسوا تر و ضعیف تر شده است. رژیم اسلامی اگر چه بخاطر ترس از سقوط وحشیانه تر عمل می کند اما از نظر جهانی و نفوذ در منطقه از قدرتش بشدت کاسته شده و در داخل نیز انسجام درونی خود را از دست داده و با بزرگترین ریزش نیرو در تاریخ حیات خود مواجه است. و همه اینها از عوارض یک جنبش اعتراضی میلیونی مردمی ایران است که در فاصله دو اول ماه می عروج کرده است.

چندین سال بود که چگونگی برگزاری مراسم روز کارگر مستقل از دولت و شوراهای اسلامی بعنوان یکی از شاخص های پیشروی جنبش کارگری مورد ارزیابی قرار می گرفت. برگزاری مراسم روز کارگر سال گذشته نیز در ادامه پیشروی های جنبش کارگری قرار داشت زیرا هم با انتشار بیانیه ای که بخشی از خواستهای بسیار فوری کارگران را در بر داشت و به امضای تشکلهای علنی فی الحال موجود کارگری رسید توأم بود، هم راساً توسط تشکلهای کارگری و بدون اجازه از دولت در پارک لاله تهران فراخوان به تظاهرات داده شد در صورتیکه شوراهای اسلامی که برای دهه ها در تهران میدان دار تظاهرات خیابانی دولتی بودند به سالی سر پوشیده خزیده بودند که تنها با دعوت از پیشی امکان ورود به آن وجود داشت! رژیم اسلامی این جسارت فراموش نشدنی تشکلهای کارگری را با حمله ای دد منشانه پاسخ داد و دهها تن از فعالین کارگری و حامیانشان را قبل از برگزاری مراسم دستگیر و با ضرب و شتم روانه زندانها کرد.

هنگامی که در اواخر خرداد اعتراضات میلیونی مردم ایران در خیابانها علیه رژیم اسلامی جریان یافت و روز به روز رادیکالتر می شد دهها فعال جنبش کارگری از ۱۱ اردیبهشت در زندان بودند و سایر فعالین جنبش کارگری و حامیان آنها به درست در داخل و خارج کشور مشغول برگزاری یک کمپین بزرگ برای آزادی آنها از زندانها و ترمیم ضربه ای بودند که جنبش کارگری در روز کارگر متحمل شده بود. این تنها یکی از دلایل فقدان اتحاد و همنظری به موقع جناح چپ جنبش کارگری ایران در قبال جنبش اعتراضی توده ای سراسری علیه رژیم اسلامی بود. میلیونها مردم به جان آمده از سی سال بختک نحس رژیم اسلامی که توده های کارگری نیز بخش مهمی از آن بودند به خیابانها ریختند و جناح چپ جنبش کارگری قادر نشد آنطور که می بایست سریعاً بر سر استراتژی دخالت متشکل در جنبش موجود متحد و